

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران	
چهارشنبه ۷ شهریور ۱۴۰۳ - ۲۳ صفر ۱۴۴۶ - ۲۸ اوت ۲۰۲۴ - شماره ۲۴۸۸ - سال نهم	
۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان - ضریب کیفی ۶۱۴	
www.hamdelidaily.ir newsaper.hamdeli@gmail.com t.me/HamdeliNews	
صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان	سردبیر: جلال خوش چهره
مدیر هنری: امین مرخیی	چاپ: صمیم ۰۲-۶۵۵۸۶۸۰۰ تورج: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۱۹۳۳۰۰۰
تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج	
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۴۹۸۴۳	

کتاب

«دستور زبان کردی پهل‌ای/پهلوی» منتشر شد



به همت انستیتو زانست زاگروس؛ کتاب «دستور زبان کردی پهل‌ای / پهلوی» منتشر شد. کتاب «دستور زبان کردی پهل‌ای / پهلوی» تألیف نامدار جابری، به عنوان نخستین اثر به توصیف ساختاری گویش مشهور به کورد‌له‌لی، پرداخته که در شهرهای دهلران، آبدانان، پهل‌ه، میمه، دره‌شهر در حوزه جنوب استان ایلام متداول است و شباهت تام به کرمانجی دارد.

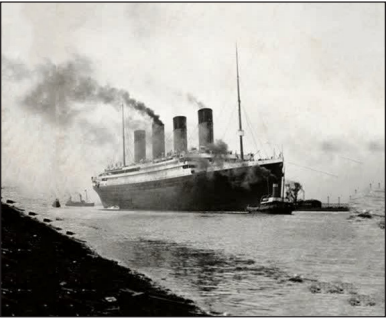
مؤلف این اثر، از محققان سخت‌کوش دهلرانی و از اعضای اصلی انستیتو زانست زاگروس است

و در راستای آموزش علاقه‌مندان به زبان کردی پهل‌ای این کتاب را در انتشارات زایله‌ه مروان، در ۹۵ صفحه و شمارگان ۵۰۰ جلد چاپ و منتشر کرده است. این کتاب به دو زبان فارسی کردی است و مشتمل بر مقالات دستوری نظیر صرف افعال، تکیه کلمات، صفات، ضمایر، حروف اضافه، فعل مجهول و... است. رسم‌الخط اثر وقادار به کردی معیار و استاندارد است. نویسنده در پایان به این نتیجه رسیده که کردی پهل‌ای نسبت به سایر گویش‌های کردی با شاخه اصلی زبان کردی یعنی کرمانجی بیشترین اشتراکات دارد، زیرا از منظر تاریخی نیز ایل باستانی و اصل کورد‌له‌لی در کردستان سوریه و استان باتمان شهر حس‌نکیف با قدمت تاریخی ده هزارساله ساکن می‌باشند.

نامدار جابری، پژوهشگر و مدرس زبان کردی پهل‌های، متولد ۱۳۵۵ شهرستان دهلران در استان ایلام است. وی دارای مدرک کاردانی در رشته فناوری اطلاعات و ارتباطات است و به دلیل علاقه به زبان مادری (کردی) از اادم تحصیل در رشته مهندسی، خودداری کرد و مشغول به پژوهش در رابطه با ریزان و ادبیات فولکلور کردی، نوشتن کتاب‌های آموزشی کردی

کتابخوانی

در انبار مخفی اشیای تایتایک چه می گذرد؟



یک کیف‌دستی دوخته شده از پوست تمساح و شیشه‌های کوچک عطر که بعد از این همه‌سال هنوز بوی تندی از آن‌ها بیرون میزند، تنها بخشی اشیا با ارزشی هستند که از مشهورترین کشتی شکسته جهان، تایتایک به دست آمده‌اند.محل دقیق انباری که این اشیا با ارزش در آن نگهداری می‌شوند، به‌شدت سری و محفوظ است. آنچه می‌توانیم در مورد محل آن بگوییم این است که جایی در آتلانتا، در جورجیای ایالات‌متحده آمریکا واقع شده است.قفسه‌های این انبار پر است از هزاران شیئی مختلف؛ از وان حمام و پنجره دایره‌ای سوراخ شده کشتی، تا فریم عینکی که کنده‌کاری‌های فوق‌العاده ظریف دارد و دکمه‌های کوچک،بی‌بی‌سی فرصت نادری پیدا کرد تا بازدیدی از این انبار سری داشته باشد، اشیا داخل آن را ببینید و داستان بعضی از این اشیا را کشف کنید.توماسینا ری، مدیر شرکت مجموعه اشیا کشتی سلطنتی تایتایک است. شرکتی که توانست این اشیا را کشف کند. این شرکت حالا صاحب حق عملیات اکتشافی بیشتر در این کشتی است و در طول سال‌ها توانسته ۵۵۰۰ شیئی را از کشتی نجات دهد که مجموعه دستچین شده‌ای از آن‌ها در نقاط مختلف جهان به نمایش درآمده‌اند. توماسینا درباره کیف پوست تمساح می‌گوید: «این واقعا کیف زیبا و مد روزی است».

این کیف از پوست تمساح دوخته شده است و توانسته ده‌ها سال در عمق اقیانوس اطلس شمالی دوام بیاورد. اشیا ظریف داخل آن هم به‌خوبی در تمام این سال‌ها حفظ شده‌اند و جزئیات زندگی صاحب کیف را به ما نشان می‌دهند. ماریان مینول، مسافر درجه سه کشتی، صاحب این کیف‌دستی بوده است.

توماسینا می‌گوید: «او ۶۳ساله و کارش ساخت و دوخت کلاه بود. او به آمریکا می‌رفت تا با دخترش که به‌تازگی شوهرش را از دست داده بود، زندگی کند.»در میان اشیا مدارکی پیدا شد که ماریان برای شروع زندگی جدیدش در آمریکا به آن‌ها نیاز داشت. از جمله توصیه‌نامه‌ای از طرف صاحب‌خانه قبلی‌اش در لندن که در آن نوشته شده است: «خانم مینول همیشه برای ما مستأجر خوبی بوده و اجازه‌ها را سر موقع پرداخت کرده است».

برگه بهداشت و سلامتی او هم همچنان داخل کیف بود. این برگه‌ای است که همه مسافران درجه سه کشتی باید همراه خود می‌داشتند تا نشان دهند سالم هستند و با خود بیماری به ایالات‌متحده آمریکا نمی‌آورند. اما این مدرک شناسایی که ده لکه‌های آب روی آن مشهود است».

وقتی کشتی تایتایک در سال ۱۹۱۲ به دنبال برخورد با یک کوه یخ، غرق شد، کشتی از وسط دو نیم شد و تمام آنچه در کشتی بود از آن بیرون ریخت و حجم زیادی از اشیا به‌جا مانده در دریا پخش شد.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با «احمدرضا حجاززاده»، نویسنده مجموعه‌داستان «حرف»

در داستان‌هایم، از زندگی و شخصیت خودم الهام گرفته‌ام



دارم تا اگر نکته یا ایده‌ای به ذهنم رسید، یادداشت بکنم.هرچند باید ابراز تأسف بکنم از این که طی یک دهه گذشته هجوم گوشی‌های تلغن همراه به زندگی مردم‌جای کاغذ و نوشت‌افزار را گرفته و دیگر کم‌تر کسی هنوز به نوشتن با خودکار روی کاغذ عادت دارد.حالا دیگر اغلب شاعران و نویسندگان هم نوشته‌های خود را در گوشی‌های مدرن و دیجیتال تایپ می‌کنند

آیا در داستان‌ها، موقعیتی را تشریح کرده‌اید که تجربه درستی از آن نداشته باشید؟

بله، در یکی از داستان‌ها این کار را کرده‌ام. البته این‌که داستانی را بدون شناخت و تجربه‌از موقعیتی بنویسیم، کار سخت و خطرناکی است‌ومی‌تواند نوشته ما را به متنی بی‌ارزش و سراسر تخیلی تبدیل بکند، مگر آن‌که درباره موضوع داستان، پژوهش کافی کرده باشیم،ولی من اغلب داستان‌هایم را بر اساس واقعیت‌شناختی که از اطرافیانم داشتم یا تجربه‌های فردی نوشته‌ام.

فقط در نخستین داستان کتابم با نام «تقاصی» کمی از تخلیم کمک گرفتم تا ماجرای یک قتل و خودکشی را روایت بکنم. طبیعی‌ست که من هرگز نه تجربه خودکشی داشته‌ام،نه قتل‌با این حال سعی کردم برای منطقی‌بودن آن موقعیت، فضاسازی درستی داشته باشم.

برای این‌که موفقیت گسترده کتاب اول به مانعی برای ادامه کارتان تبدیل نشود، معمولاً چه می‌کنید؟

فکر می‌کنم وقتی کتاب اول یک نویسنده با موفقیت روبه‌رو می‌شود، معمولاً در او انگیزه بیش‌تری برای نوشتن ایجاد می‌کند و چه بسا پرکارتر بشود اما خطری که شاید به مانعی برای تداوم کار و پیشرفت هر نویسنده تبدیل بشود، تکرار همان الگوهایی‌ست که در کتاب اول منجر به موفقیت‌او شده‌د.واقع نویسنده نباید برای موفقیت‌دوباره، از همان الگوها و شیوه‌های نوشتن در کتاب جدیدش استفاده بکنداین کاری‌ست که من از انجام آن دفاع می‌کنم و برای انتشار در کتابم، بارها آنها را ویرایش و بازنویسی کردم. داستان «حرف» اولین داستانی بود که برای این کتاب نوشتم، ولی سومین داستانی‌ست که در کتابم چاپ شده. در مورد داستان «حرف» من ماجرای تلخی را تجربه کرده بودم و همان را بی‌کم‌وکاست به شکلی که اتفاق افتاد، نوشتم اما برای نوشتن داستان‌های دیگر کتابم، ابتدا طرح و ایده‌ای داشتم و بر اساس آن پیش رفتم. حتی برخی داستان‌ها را چند بار بازنویسی کردم تا تبدیل به چیزی شد که اکنون می‌خوانید.

لطفاً خلاصه‌داستان و محتوای این کتاب را برای‌مان بازگو بکنید.

این کتاب شامل هشت داستان کوتاه است به نام‌های «تقاصی»، «تلغن عمومی»، «حرف»، «ب‌ورت می‌شه؟»، «در فاصله‌ی دو طبقه»، «سلام، خداحافظ»، «فعلاً حرفی ندارم»، «صبح روز بند». داستان‌ها در گونه‌های عاشقانه، اجتماعی و خانوادگی روایت می‌شوند. با آن‌که پنج داستان آغازین کتاب هر کدام می‌توانند به‌تنهایی اثر مستقلی برای خواندن باشند، ولی اگر خواننده کتاب را از ابتدا تا داستان پنجم به ترتیب بخواند، درک و شناخت درست و عمیق‌تری از سرشت و سرنوشت پرسوناژهای هر داستان نصیبش می‌شود، یعنی در پنج‌داستان ابتدایی کتاب، سه شخصیت در موقعیت‌های مختلفی تکرار می‌شوند که با یک‌نخ باریک به یکدیگر وصل شده‌اند.نوشتن این داستان‌ها اهمیت ویژه‌ای برای خودم داشت، چون نه تنها حرف خودم، بلکه به نظر برشی از حرف‌های ناگفته یک نسل است.

استقبال مخاطبان از کتاب‌تان چگونه بود؟

شاید من نویسنده خوش‌شانسی هستم که کتابم با نقد منفی چندانی روبه‌رو نشد و اغلب مخاطبان، با آنها ارتباط گرفته‌اند یا دوست‌شان داشتند. تنها نقدی که بر کتابم وارد بود و چند نفر بی‌ادآوری کردند، این بود که فضای برخی داستان‌ها خیلی شخصی‌ست و به زندگی‌نامه یا خاطره‌نویسی شباهت دارد.گرچه اصلاً سعی نکردم به سمت‌وسوی خاطره‌نویسی بروم اما قطعاً در داستان‌هایی، از رویدادهای زندگی و شخصیت خودم الهام گرفتم.

اولین‌باری که عاشق یک کتاب یا یک کاراکتر شدید، چه زمانی بود؟

از سال‌های تحصیل در مقطع دبستان، اهل کتاب‌خواندن بودم، ولی درست به خاطر ندارم آن سال‌ها شخصیت کدام کتاب برلم تأثیرگذار بودبا این‌حال اولین‌بار که عاشق شخصیت کتابی شدم، در سال‌های دبیرستان بود؛ زمانی که رمان جاودانه «اتنور دست» را می‌خواندم و با شخصیت «هولدن کالفیلد» هم‌ذات‌پنداری کردم و او را نسخه خارجی خودم دیدم.بعدها عاشق شخصیت «سید» در رمان «من تا صبح بیدارم» اثر جعفر مدرس صادقی شدم و حتی شباهت بیش‌تری میان خودم و او حس کردم.

نویسندگان و شاعران قاعدتاً همیشه دفترچه یادداشتی به همراه دارند، شما چطور؟

کاغذ و قلم جزو جنبایی‌ناپذیر زندگی‌ام هستند و مثل کتاب، که باید همیشه همراه‌جا همراهم باشد، دفترچه کوچک و روان‌نویسی نیز همیشه با خودم

روزنامه‌نگاری

بخت بازآید از آن در که یکی چون تو درآید
روی میمون تو دیند در دولت بگشاید
صبر بسیار نباید پدر پیر فلک را
تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید
این لطافت که تو داری همه دل‌ها بفریبد
وین بپاشت که تو داری همه غم‌ها بزداید
رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد
زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید
نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی
پیش نطق شکرینت چو نی انگشت بخاید

مجازستان

● لطفا خرج خونه و دانشگاه و آینده بچه هاتون رو از مستاجر نگیرید،

● عمرت خونین، چاه نفت نیست که ؛(علی)

● دروغ بود. دروغ گفتید. گذر زمان این غم رو کم‌رنگ نکرد. روزها، ماه‌ها و سال‌ها گذشت. انگار هر بار وزنه سنگین‌تری روی قلمم می‌ذارن. بار این غم زیاد و نموم نشدنیِه. (A□EMAN)

● توی فرم تقاضا شغل یک شرکت استرالیایی یک قسمت درخواست جای پارک برای روز مصاحبه بود.

می‌گفت اگه با خودور می‌آید مصاحبه اینجا رو تیک بزیند براتون جای پارک در نظر بگیریم روز مصاحبه.

سطح شعور رو شما ببین اخه. (Shayan)

● من کلا زیاد رانندگی نمی‌کنم بعد امروز که خواستم از باشگاه برگرد دیدم فرمونم قفل شده. با کلی استرس زدم به بابام که بابا فرمونم قفل شده باید چی کار کنم؟ گفت دخترم همیشه اول ماشین رو روشن کن مشکلات حل می‌شه (=)) (نگز)

فکرتور

اختراع کفش‌های دوچرخه سواری بی‌سیم و برقی با تنظیم خودکار

شرکت مشهور «شیمانو» یک کفش مخصوص دوچرخه سواری بی‌سیم جدید با ویژگی‌های تنظیم خودکار ثبت اختراع کرده است.شرکت شیمانو کفش‌های مخصوص دوچرخه سواری جدیدی را که به طور خودکار تنظیم می‌شوند، معرفی کرده است که اگرچه هنوز در قفسه‌های مغازها قرار نگرفته است، اما این کفش مفهومی کاملاً جدید را به دلیل طراحی پیشرفته خود که دارای تنظیم خودکار کفش با پدال است و توسط یک سیستم بی‌سیم الکترونیکی تنظیم می‌شود، نمایش می‌دهد.مانند همه کفش‌های دوچرخه‌سواری، کفش هوشمند شیمانو نیز به پدال دوچرخه می‌چسبد، اما افزودن یک موتور الکتریکی به نام «تنظیم‌کننده» بین کفش‌ها و گیره‌ها این کفش را می‌سازد از جلو به عقب و از چپ به راست حرکت کند تا پاهای دوچرخه سوار کاملاً در جای مناسب قرار گیرد.

مناظره که دوچرخه سواران موقعیت خود را بر روی دوچرخه با توجه به ارتفاع و زمین تنظیم می‌کنند، اختراع جدید شیمانو نشان می‌دهد که تغییرات در موقعیت قرارگیری پاها روی پدال‌ها مزایای خاصی را برای دوچرخه سواران فراهم می‌کند. با این حال، به نظر می‌رسد علاقه‌مندان و کارشناسان دوچرخه سواری نمی‌توانند هیچ مدرک علمی برای تأیید ادعای این شرکت پیدا کنند.شرکت شیمانو که تولید کننده مشهور لوازم دوچرخه سواری است، طرح‌هایی از کفش دوچرخه سواری هوشمند با سیستم الکترونیکی بی‌سیم جدید خود را منتشر کرده است که به گیره امکان می‌دهد موقعیت خود را به طور خودکار مطابق با نیازهای دوچرخه سوار تنظیم کند.یک باتری اصلی روی پدال قرار می‌گیرد که سیستم بی‌سیم را که شامل گیره و تنظیم‌کننده است، تغذیه می‌کند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که این فناوری مبتنی بر حسگر نه تنها به موقعیت دوچرخه، بلکه به ضربان قلب، دمای بدن و حتی غلظت اکسیژن خون و سطح لاکتات خون واکش نشان می‌دهد. شرکت سازنده می‌گوید این کفش می‌تواند در هر لحظه خودش را تنظیم کند، مثلاً هنگام قرار گرفتن در سربالایی، گیره‌ها را به جلو هل می‌دهد.کارشناسان می‌گویند به نظر می‌رسد این سیستم به جای جاده برای دوچرخه‌سواری در کوهستان طراحی شده است.به گفته علاقه‌مندان به دوچرخه سواری، تنظیم موقعیت گیره اغلب زمان‌بر و آزاردهنده است، بنابراین در نگاه اول، طرحی که قابلیت تنظیم خودکار را داشته باشد خوب به نظر می‌رسد.

گفته می‌شود قیمت این سیستم حدود ۵۴۰۰دلار خواهد بود. با این قیمت مشخص نیست که آیا مصرف کننده عمومی نیز در نظر گرفته شده یا فقط برای دوچرخه‌سواران حرفه‌ای طراحی شده است. در هر صورت دوچرخه‌سواران حرفه‌ای احتمالاً از آن استقبال خواهند کرد، چرا که استفاده از چنین راهکارهایی هر چند کوچک، ممکن است به معنای جلوگیری از چند ثانیه‌ای از رقیبان باشد.این اختراع نشان می‌دهد که چگونه یک گیره محافظ‌پذیر روی کفش‌های دوچرخه‌سواری سناریوهای مختلف دوچرخه سواری را بهبود می‌بخشد، با این حال در بررسی برخی از مطالعات علمی در مورد این موضوع، هنوز شواهدی مبنی بر صحت این ادعاها پیدا نشده است.مهم‌تر از آن، مطالعه‌ای در سال ۲۰۰۹ گفت: هیچ مزیت فیزیولوژیکی یا عملکردی قابل توجهی در این گروه با استفاده از موقعیت کفش قوس‌دار در مقایسه با شرایط ترجیحی طبیعی دوچرخه‌سواران وجود نداشت.هر چند به نظر می‌رسد شرکت شیمانو با این مطالعات مخالف است و می‌خواهد اشتباه بودن آنها را ثابت کند.



دیمین گلز - بوریکنافاسو